

جولانی در آمریکا دنبال چیست؟

اسپین آف طنز ۱۱ سپتامبر



سیدمهدی طالبی

پژوهشگر حوزه بین‌الملل

دوست و پیرو کسانی که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ با ربودن هواپیماهای مسافربری خود را به برج‌های تجارت جهانی و ساختمان پنتاگون کوبیدند، قرار است روز دوشنبه ۱۰ نوامبر به‌وقت آمریکا در کاخ سفید با رئیس‌جمهور این کشور دیدار کند.

آن‌ها دیروز مأموریتی داشتند و امروز مأموریت دیگری یافته‌اند. وظیفه دیروز خلق جنایتی بود تا ز زمینه‌ساز حمله آمریکا به منطقه و اشغال افغانستان و عراق شود.

مسنولیت امروز گرچه در همان راستاست؛ اما تفاوت‌هایی دارد. دیگر تشت رسوایی همکاری و ارتباط شبکه جهانی القاعده با آمریکا از تمام با‌ها افتاده و دیگر نیازی به زمینه‌سازی غیر مستقیم این گروه برای لشکرکشی‌های واشنگتن در منطقه نیست. در وضعیت کنونی این اقدام به شکل مستقیم و آشکار صورت می‌گیرد. خبر‌های جدید حکایت از آن دارند که قرار است ارتش آمریکا در فرودگاه المزه دمشق، در حومه جنوبی این شهر، مستقر شود. همچنین در روزهای اخیر و پیش از دومین سفر جولانی به آمریکا، شورای امنیت سازمان ملل، او و وزیرکشور تروریستی را از لیست تروریست‌ها خارج و تحریم‌ها علیه این دو را لغو کرد.

جولانی برای بار نخست، با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در عربستان دیدار کرد. دومین دیدار که بسیار کوتاه بود در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل صورت گرفت. سومین دیدار اما سفری دوجانبه است. سه دیدار پی‌درپی جولانی با ترامپ درحالی‌که عمر حکومت وی به یک سال نرسیده، نشان‌دهنده سرعت بالای تحولات و اهمیت پروژه‌هایی است که وی در شرف اجرای آن‌هاست.

نکات

در خصوص تحركات بين‌المللی جولانی نکاتی وجود دارند.

۱- تمام جریان تقویت جولانی به مسائل امنیتی مربوط نیست. بخش مهمی از تحولات سوریه با میدان نفت و گاز، معادن و ارزش ترانزیتی این کشور مرتبط است. در نفت و گاز، ذخایر این کشور را باید به دودسته تقسیم کرد؛ ذخایر شرق و ذخایر دریای مدیترانه. میدان انرژی شرق مدت‌هاست مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند. ذخایر کشف شده در این منطقه شامل ۲٫۵ میلیارد بشکه نفت و ۲۴۰ میلیارد متر مکعب گاز است. این میدان که موجودی کنونی سوریه‌اند، نسبت به حجم ذخایر تولیدکنندگان بزرگ منطقه، بسیار اندک هستند. اما آنچه مهم است منابع کشف نشده به‌ویژه در دریای مدیترانه است. هر قدرتی به شکل‌ی درصدد چنگ انداختن بر این منابع است. ترکیه قصد دارد از فرصت حضور جولانی در دمشق بهره برده و در ترسیم خطوط دریایی و توافق‌های برداشت، سهم بیشتری کسب کند. برای منابع شرق، ترکیه از گروه تروریستی موسوم به ارتش ملی سوریه استفاده می‌کند که در شمال و شمال شرق این کشور مستقر است. روس‌ها در ساحل مدیترانه پایگاه دارند و آمریکا در شرق در اتحاد با کردها

جریان راست افراطی با ایده‌های ضد آپارتاید چه می‌کند؟

چوب‌الف‌بر سر استادان آمریکایی



علی ملکی

خبرنگار گروه سیاست

هم‌زمان با استمرار حملات رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان و یخش‌هایی از نوار غزه، تعدادی از دانشجویان یهودی در گفت‌وگو با «فاکس‌نیوز» از استادانی شکایت می‌کنند که معتقدند «افراطی» و «ضداسرائیل» هستند. فاکس‌نیوز در گزارشی اختصاصی از زبان این دانشجویان نوشته فضای کلاس‌ها در دانشگاه‌هایی چون کلمبیا، نیویورک، باروخ و بارنارد، به میدان انتشار «عقاید ضدصهیونیستی» بدل شده؛ اما بنیت این روایت، سؤالات جدی‌تری مطرح است. فاکس‌نیوز که به‌عنوان صدای راست‌گرایان افراطی شناخته می‌شود، چه آیتمی برای ۶۶ هزار فلسطینی کشته‌شده توسط رژیم صهیونیستی در طول دو سال و نیم اخیر تدارک دیده است که حالا نگران امنیت دانشجویانی است که استادانشان صرفاً از سیاست‌های جنایت‌کارانه رژیم صهیونیستی انتقاد می‌کنند؟ و سؤال مهم‌تر آنکه چه‌زمانی انتقاد از اسرائیل در آمریکا، مرز «آزادی‌بیان» دارد می‌کند و به جرم «افراط‌گرایی» تبدیل می‌شود؟ از این گذشته، اگر بپذیریم امنیت یهودیان اروپا و آمریکا بعد از طوفان الاقصی خدشه‌دار شده، مقصر آن چه کسی غیر از راهبر ماشین نسل‌کشی در غزه است؟

آزادی‌بیان یا حق انحصاری بیان

دانشجویان معترض یهودی در گفت‌وگو با فاکس‌نیوز مدعی‌اند که برخی استادان در کلاس‌های مرتبط با خاورمیانه یا حتی دروس نامرتبط، دیدگاه‌هایی را تبلیغ می‌کنند که به‌زعم آنان، به نفرت علیه یهودیان دامن می‌زند و حمایت از اسرائیل را به حاشیه می‌راند. دانشجویان دانشگاه‌های کلمبیا، نیویورک، باروخ و بارنارد در گفت‌وگو با این شبکه آمریکایی، معتقدند رفتار استادانشان «جانب‌دارانه» است. یکی از آن‌ها گفت: «استادانی داشته‌ایم که در کلاس‌های مربوط به سیاست خاورمیانه، اظهارات نگران‌کننده‌ای علیه اسرائیل و یهودیان مطرح کرده‌اند؛ حتی در دروسی که ربطی به این مباحث ندارد». دانشجوی دیگری ادعا کرده برخی استادان «دانشجویان را تحقیر می‌کنند، یا در مواجهه با انتقادات آنان «داد می‌زنند». او گفته: «بسیاری از ما احساس می‌کنیم تنها مانده‌ایم؛ نه حمایت دانشگاه را داریم و نه امکان پاسخ‌دادن بدون خطر از دست‌دادن نمره». اما ماجرا چیست؟ فاکس‌نیوز در ادامه نوشته برخی استادان، شعارهایی مانند (Free Palestine) «فلسطین را آزاد کنید» را روی در اتاق خود نصب کرده‌اند و دانشجویان یهودی این را «نفوذ سیاسی خطرناک» محیط‌های علمی می‌دانند. یکی از دانشجویان بارنارد کالج گفته: «حتی دیدن این تابلوها باعث می‌شود احساس ناامنی کنیم.»

امنیت ندادیم

سواى از شلوغ‌کاری دانشجویانی که با آن‌ها مصاحبه شده، در نگاه اول شاید این گزارش صرفاً انعکاس نگرانی بخشی از جامعه دانشجویی یهودی باشد. اما اگر از زاویه‌ای دیگر نگاه کنیم، پرسشی اساسی مطرح می‌شود که آیا در

جاگیر شده است. در جنوب که برخی ذخایر گاز در آنجا قرار دارند، آمریکا درصدد ایجاد پایگاه نظامی بوده و صهیونیست‌ها خزنده در حال گسترش اشغال‌گری خود برآمده‌اند.

۲- نیاید از یاد برد که جولانی و تیم همراهش جزئی از شبکه جهانی القاعده بوده و بخش مهمی از تیم این گروه در کنار او قرار دارند. چنین گروه‌هایی که در قالب تروریستی فعالیت کرده‌اند، به همراه مشتقاتی همانند داعش به‌صورت پروژه‌ای و با دریافت پول و تسلیحات، دست به اجرای سفارش کارفرمایان مختلف می‌زنند. از ایسن‌رو بخش مهمی از روابط پنهان و آشکار دولت‌های جهان با چنین گروه‌هایی مربوط به ارانه پروژه‌های مختلف به آن‌هاست. دو پروژه مهمی که جولانی دارد؛ دخالت در تحولات لبنان و عراق است.

۳- دیسدار جولانی با ترامپ تقریباً هم‌زمان با ساعات برگزاری انتخابات عراق است. تنها گروه‌هایی که در سال‌های اخیر تهدید سرزمینی علیه عراق و سراسر شرق آن ایجاد کرده‌اند، القاعده و داعش هستند. پس از سقوط صدام و نیرو گرفتن شیعیان، القاعده در عراق فعال‌تر شد تا با حمله به محلات، شهرها و سیاست‌مداران شیعه و همچنین کردها، آن‌ها را تضعیف کند. این دیدگری‌ها ده‌ها هزار کشته و زخمی بر جای گذاشتند تا در نهایت کار به شورش سال ۲۰۱۳ استان الانبار کشید. این شورش یک سال بعد به برافراشته شدن ناگهانی پرچم داعش و حمله این گروه منجر شد و می‌رفت با سقوط بغداد، عراق بار دیگر وارد مرحله‌ای تاریک از تاریخ خود شود. حالا و در سومین نوبت پس از سقوط صدام، با روی کار آمدن جولانی، عراق در معرض تهدید قرار گرفته است. همانند مراحل قبل، مرزهای دو کشور در خطر نفوذ عناصر تکفیری و تروریست قرار گرفته است.

پیش از سقوط اسد، ۸۰ هزار تروریست در گروه موسوم به ارتش ملی سوریه و ۲۰ الی ۳۰ هزار نفر در هیئت تحریرالشام عضویت داشتند. این گروه‌ها در ادلب، حلب و حسکه مستقر بودند. اگر این گروه‌ها در زمان تسلط بر بخشی از شمال سوریه دارای ۱۰۰ هزار شبه‌نظامی بودند، با تسلط بر بخش‌های بیشتری از خاک و جمعیت این کشور می‌توانند استعداد خود را افزایش دهند. عضوگیری از جمعیت بخش‌های تازه تصرف شده، ورود عناصر خارجی بیشتر، ساماندهی فراریان از عراق و ظرفیت هسته‌های تکفیری موجود در اردوگاه‌های شرق سوریه که تحت کنترل و مراقبت کرده‌ها قرار دارند، حکایت از آن دارد که جولانی و دولت‌های همسو با آن قادرند استعداد ۱۰۰ هزار نفری پیشین خود را به ۳۰۰،۲۰۰ و یا حتی ۴۰۰ هزار نفر برسانند. دولت اسد علی‌رغم تمام مشکلات اقتصادی و از دست رفتن حوزه‌های حکومتی ۳۰۰ هزار نیرو زیر پرچم خود داشت.

اگر جولانی با پشتیبانی منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای از سمت شرق سوریه وارد مناطق غربی عراق در استان الانبار و موصل شود، این بار حمله‌ای شدیدتر از داعش به عراق رخ خواهد داد. وضعیت پیش رو دو تفاوت اساسی با نوبت دوم و حمله داعش دارد؛ نخست آنکه جولانی جغرافیای بهتر و امکانات بیشتری نسبت به داعش در زمان حمله به عراق در اختیار دارد و دوم آنکه متحدانش آشکارا از او حمایت می‌کنند.

گرچه در حوادث منجر به حمله داعش، پشتیبانی‌های دولتی از این گروه

صورت گرفتند، اما در هنگام حمله و یا چندى بعد از آن، بخش آشکار این حمایت‌ها متوقف شدند. در خصوص جولانی اما این مسئله وجود ندارد و متحدانش تمامقد پشت او خواهند ایستاد تا دست به جنایت بزند. در زمان حمله داعش پشتیبانان این گروه به دلیل شدت جنایت‌ها و همچنین تردید درباره لایه‌های مدیریتی آن، حمایت خود را از این گروه کتمان کردند. با این‌حال در وضعیتی که رژیم صهیونیستی به‌رهبری نتانیا‌هو جنایت‌های بی‌سابقه‌ای در غزه و منطقه رقم زده، حساسیت‌ها نسبت به جنایت کمتر شده است. گرچه جولانی شرایط بهتری نسبت به داعش دارد؛ اما در طرف عراق نیز اوضاع به شکل سابق نیست.

در جریان تهاجم داعش، ارتش عراق فروپاشید و این گروه‌های مقاومت عراق بودند که توانستند پیشروی تروریست‌ها را متوقف کنند. تعداد نفرات این گروه‌ها به‌زحمت به ۵۰ هزار نفر می‌رسید. امروز تعداد نفرات نیروی حشدالشعبی به ۴۰۰ هزار نفر می‌رسد و علاوه بر آن چند گروه مقاومتی بزرگ وجود دارند که خارج از حشدالشعبی فعالیت می‌کنند. همچنین ایران به‌عنوان حامی عراق و مقاومت این کشور هم‌زمان با تشدید اوضاع توسط دشمن، جدی‌تر عمل کرده و به اقداماتشان از مرکز پاسخ می‌دهد.

اجرای چندین نوبت حملات موشکی و پهپادی از مبدأ خاک ایران علیه پایگاه گروه‌های تروریستی، داعش، آمریکا و حمله به رژیم صهیونیستی طی ۱۰ سال اخیر این رویکرد و توانمندی را نشان می‌دهد.



نفرت قومی باریک است. اما مسئله اینجاست که چرا در آمریکا این مرز فقط در یک‌جهت تعریف می‌شود؟ انتقاد از دولت‌های عربی، چین یا حتی ایران، آزادی‌بیان تلقی می‌شود؛ اما کوچک‌ترین نقد از اسرائیل، «افراط‌گرایی» و «یهودستیزی» است. حتی در گزارش فاکس، هیچ شاهد مستقیمی از توهین مذهبی یا قومی نقل نشده است. تمام گفته‌ها درباره مخالفت با سیاست‌های جنایت‌کارانه اسرائیل یا حمایت از فلسطین است؛ اما در فضای رسانه‌ای آمریکا، چنین دیدگاه‌هایی با برچسب «افراطی» حذف می‌شوند؛ درست همان رفتاری که ایالات متحده در دیگر نقاط جهان، به‌ویژه در قبال دولت‌های مخالف خود، به‌عنوان نشانه استبداد معرفی می‌کند و با اعطای نشان‌های صلح‌طلبی به نیروهای اپوزیسیون دولت‌های مستقل سعی در مشروعیت‌دادن به سرکوب آنان دارد. گزارش فاکس‌نیوز، صرفاً روایت چند دانشجوی نیست و بازتاب نزاعی گسترده‌تر در مطن جامعه آمریکاست. مجله Nature در مقاله‌ای با عنوان «اعتراضات به جنگ اسرائیل و حماس، دانشگاه‌های آمریکا را ازهم‌پاشانده است: قدم بعدی چیست؟» به بررسی این موضوع پرداخته است. در این گزارش آمده اعتراضات گسترده در دانشگاه‌های آمریکا پس از عملیات طوفان الاقصی به لایه‌های عمیق‌تر نزاع در فضای اجتماعی و آکادمیک نفوذ کرده و تسلسل جدید با رسانه‌های مستقل رشد کرده و روایت رسمی را به‌راحتی نمی‌پذیرد. از سوی دیگر، وقتی دانشجویان یهودی، اخراج استادانشان از دانشگاه را مطالبه می‌کنند، در واقع از بالا ایدئولوژی خود را تحمیل می‌کنند؛ همان چیزی که خودشان به‌شدت از آن می‌ترسند. در ظاهر، ماجرا درباره چند استاد و چند دانشگاه است؛ اما در بطن قضیه، آزمونی است برای «حق پرسشگری» به‌عنوان یکی از اصول بنیادین دموکراسی غربی. اگر در «سرزمین آزادی» استادان نمی‌توانند سیاست خارجی اسرائیل را نقد کنند، پس این آزادی دقیقاً برای چه کسانی تعریف شده است؟

اسرائیل علیه یهود

گزارش فاکس‌نیوز از شکایت چند دانشجوی یهودی در نیویورک آینه‌ای است از ترس نهادینه در ساختار فکری غرب و ترس از شنیدن صدایی متفاوت. دهه‌هاست یهودیان بارکنده در کشورهای مختلف، زیر چتر مبارزه با یهودی‌ستیزی قرار گرفته و شامل انواع‌واقسام سیاست‌های حمایتی در اروپا و آمریکا هستند. در فرانسه حتی کسی حق ندارد در باره هولوکاست سؤال کند و پژوهش انجام دهد. حالا که بالاخره مردم جهان، دست چدنی صهیونیست‌ها در سرزمین‌های اشغالی را دیده‌اند و سعی می‌کنند علیه نسل‌کشی در غزه اعتراض کنند؛ برخی یهودی‌ها موقعیت جهانی خود را در خطر می‌بینند. گزارش‌های بین‌المللی هم این موضوع را تأیید کرده اقدامات رژیم صهیونیستی به‌مرور زمان باعث رشد یهودی‌ستیزی در جهان شده است. در این میان، استادانی که به جرم دفاع از مردم غزه یا نقد سیاست‌های تل آویو، به «افراط‌گراییان» متهم می‌شوند، شاید فقط یادآور این واقعیت باشند که مرز آزادی بیان در آمریکا، بر اساس منافع سیاسی و جناحی ترسیم شده است. با این حساب می‌توان گفت آزادی‌بیان در غرب هنوز زنده است؛ اما فقط تا جایی که به اسرائیل نرسد.

مرز باریک نقد و نفرت

در جامعه‌ای که از تبا‌های مختلف تشکیل شده، مرز میان نقد سیاسی و

ایران

دوست‌داشتنی‌تر

به نظرمی‌رسد استقبال از مقامات ایران در منطقه با قبل از جنگ ۱۲ روزه فرق دارد



در طول دهه‌های اخیر، پتک تخریب از برخورد با تصویر ایران در افکار عمومی جهان جانمانده و قلم سیاه‌نمایی مدام کار می‌کند. اساساً این کارویژه قدرت‌های تمامیت‌خواهی است که تمام تلاش‌شان را برای سلب امکان توسعه از کشورهای دیگر به کار می‌گیرند. با این‌حال تهران سعی کرده خود را به هر شکلی که هست از این موانع عبور دهد؛ اما چیزی که این روزها همه معادلات را به هم زده، تصاویر زنده از استقبال باشکوه مردم از مقامات ایرانی در کشورهای منطقه است از عراق و لبنان گرفته تا سفر روز جمعه (۱۷ آبان ۱۴۰۴)

محمداق‌ر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی به پاکستان. تصاویر منتشرشده از این سفر حاکی بود که جمعیت عظیمی از مردم پاکستان برای استقبال از او آمده بودند. همین صحنه را یک سال و نیم پیش نیز دیده بودیم وقتی سید ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور سابق وارد این کشور شد. موارد مشابهی از جمله سفر مقامات به عراق و لبنان هم وجود دارد که حاکی از شکست تصویر ایران‌هراسی در کشورهای منطقه است. این تصویر اما پس از جنگ ۱۲ روزه و پاسخ موشکی قاطع ایران به حملات اسرائیل زنده‌تر شد. جنگ ۱۲ روزه خرداد ۱۴۰۴ باعث شد نگاه مردم کشورهای عربی به ایران به شکل محسوسی تغییر کند. الجزیره که بزرگ‌ترین شبکه خبری منطقه است، تقریباً تمام برنامه‌هایش را به پوشش حملات ایران اختصاص داد و تصاویر اصابت موشک‌ها به تل آویو و حیف‌ا را بارها تکرار کرد. صفحه اینستاگرام الجزیره با ۱۱ میلیون دنبال‌کننده پر شد از کامنت‌های «شکراً ایران» و پرچم ایران. المیادین از همان ساعت اول حملات را «انتقام تاریخی» نامید و مجریانش بارها گفتند ایران کاری کرد که هیچ دولت عربی نکرد. حتی العربیه که همیشه ضدایران بود، در بخش فارسی‌اش مجبور شد اخبار موفقیت‌های نظامی ایران را منتشر کند، هرچند سعی کرد بی طرف بماند. در شبکه‌های اجتماعی، هشتگ‌های عربی #ایران تنتقم و #شکراً ایران ترند اول منطقه شد. کاربران از الجزایر تا یمن کلیپ‌هایی منتشر کردند که کودکان با پرچم ایران شادی می‌کردند. ترکی فیصل، رئیس سابق اطلاعات عربستان در مصاحبه با الشرق الأوسط گفت: «اگر عدالت بود، دیمو‌نار بمباران می‌شد، نه فردو». در یک هفته، ایران از «دشمن» به «شوری که جواب اسرائیل را داد» تبدیل شد. این تغییر با تصاویر واقعی موشک‌هایی که به هدف خوردند، در ذهن میلیون‌ها نفر در منطقه و جهان ثبت شد، حتی در جمع‌مات ضداسرائیلی که در کشورهای اروپایی و آمریکایی برگزار می‌شود. شاهد شعارهای حمایتی از ایران و برافراشتن پرچم کشور در این تجمعات و تغییر برخی معادلات اجتماعی هستیم. بر اساس گزارش‌های مختلف، میزان یهودی‌ستیزی در کشورهای اروپایی طی سال‌های گذشته رشد فزاینده‌ای داشته، به‌عنوان مثال گزارش سالانه کارگروه اتحادیه ضدافترا نشان می‌دهد از زمان ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳، موارد یهودستیزی در کشورهای دارای بزرگ‌ترین جوامع یهودی خارج از اسرائیل از جمله آلمان، فرانسه، بریتانیا، آمریکا، کانادا، استرالیا و آرژانتین به طور چشمگیری افزایش یافته، به‌گونه‌ای که در برخی کشورها میزان این حملات در سال ۲۰۲۳ بیش از دو برابر شده است. طبق این گزارش، رشد افراط‌گرایی سیاسی، به‌ویژه در آلمان با تقویت حزب راست‌گرای آلترناتیو برای آلمان، فضای خطرناکی برای یهودیان ایجاد کرده است. اتحادیه ضدافترا هشدار داده یهودستیزی دیگر محدود به جناح خاصی نیست و به تهدیدی برای ارزش‌های دموکراتیک و کل جامعه بدل شده است؛ چنان‌که بسیاری از یهودیان به دلیل ترس از خشونت، هویتشان را پنهان می‌کنند.

آغوش منطقه

بهمن‌ماه ۱۳۹۹، سید ابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضائیه در اولین ساعت ورود به بغداد مستقیماً به محل شهادت حاج قاسم و ابومهدی رفت. ده‌ها هزار عراقی مسیر فرودگاه تا کاظمین را بستند. شعار اصلی جمعیت، «الموت لأمريكا» و «لحمنا لحکمم و دمنّا دمکم» بود. هشتگ #اهلباخدا مالرضّا در کمتر از ۶ ساعت ترند اول عراق شد. کاربران عراقی نوشتند: «رئیس‌ی هممان قانونی ماست، چون دنبال خون شهیداست.» علی لاریجانی، دبیر شورای‌عالی امنیت ملی صبح در فرودگاه رفیق حریری پیاده شد. هنوز از پلکان پایین نیامده بود که جوانان حزب‌الله با پرچم ایران و حزب‌الله و شعار «لیبک یا نصرالله» و «هیئات منا الذلّه» دورش حلقه زدند. فیلم‌های موبایل مردم نشان می‌داد جمعیت تا قاطع فرودگاه ادامه داشت. العالم و المنار همان روز گزارش دادند این بزرگ‌ترین استقبال خودجوش از یک مقام ایرانی بعد از سردار سلیمانی بود. سفر آیت‌الله رئیسی به پاکستان، اولین سفر رسمی رئیس‌جمهور ایران بعد از هشت سال بود. دولت پاکستان در کراچی تعطیل رسمی اعلام کرد. وزیر فرهنگ ایران بعداً گفت: «صدها هزار نفر فقط برای یک‌بار دیدن رئیس‌جمهور ثبت‌نام کردند.» در لاهور، دانشجویان دانشگاه پنجاب مسیر ۱۴ کیلومتری از فرودگاه تا استانداری را با پرچم ایران و فلسطین بستند. سناتور مشاهد حسین سید، رئیس کمیسیون امور دفاع مجلس سنای پاکستان، گفت سفر رئیسی رئیس‌جمهور ایران به اسلام‌آباد، خاطره استقبال تاریخی مردم پاکستان از آیت‌الله خامنه‌ای در سال ۱۳۶۴ را زنده کرد. سفر دو روزه احمدی‌نژاد به لبنان در سال ۱۳۸۹ هنوز رکورددار است. ۲۱ مهر آن سال وقتی کاروان احمدی‌نژاد به سمت مرز رسید، طبق گزارش المنار «۷۵۰ هزار لبنانی» تا روستای «مارون الرأس» آمدند. مردم روی دوش هم پرچم ایران و حزب‌الله گرفته بودند. احمدی‌نژاد در ضاحیه به سمت مرز اسرائیل سنگ پرتاب کرد. تصاویر این سفر هنوز در آرشیو المنار و پرس‌تی‌وی موجود است و هر سال مهرماه دوباره در این رسانه‌ها بازنشر می‌شود.

در مجموع آنچه از این تحولات برمی‌آید، شکسته‌شدن تدریجی تصویر تحریف‌شده‌ای است که سال‌ها علیه ایران در افکار عمومی جهان ساخته شده بود. از استقبال گسترده مردم منطقه تا تغییر لحن رسانه‌های عربی و اروپایی، همه نشان می‌دهد ایران به‌عنوان بازیگری مؤثر در معادلات جدید خاورمیانه دیده می‌شود و با تمام محدودیت‌ها توانسته با واقعیت‌ها بر پروپاگاندا ی غربی غلبه کند.